



مه(قسمت آخر)

ایلیا موسایی افسر جوانی که دستگیر شده بود فقط ۲۲ سال سن داشت. توی بازجویی اعتراف کرد. مدام برای افسرها تکرار می کرد که این او آخر از مادر رو پدرش می خواسته برای ازدواج اقدام کنند اما آن هاجدی نمی گرفتند. انگار می خواست پیش خودش توجیه کند که اگر کاری کرده به خاطر دلیل منطقی و قابل قبولی بوده... شاید این طوری عذاب وجدانش تسکین پیدا می کرد. گفته بود که آن روز غزاله را توی کوچه دیده که لی لی کنان توی پیاده رو با یک کوچهر می شده. صدایش کرده و به بهانه خوراکی او را کشانده توی حیاط خانه که آن موقع روز نه مادر بوده و نه پدر. چون رفته بودند کارهای فیزوتراپی پدر علیش را انجام دهند. می گفت اولش با حرف شوخی شروع شده بعد یک خوراکی. یک آبنبات چوبی برای غزاله آورده و بعد از اینکه تماشايش کرده که هنوز توی حیاط لی لی می کند و برای خودش خوش است و انگار حواسش اصالتوی این دنیا نیست، دیگر نتوانسته وسوسه اش را کنترل کند و به غزاله گفته که توی آتاقش یک عروسک کوچک باب اسفنجی دارد. نیم ساعت بعد که هوا رو به تاریکی گذاشته و سه‌های خانه غلیظ تر شده بودند. غزا حال بدی پیدا کرده بود و پسرک دست و پایش را گم کرده بود که چه کار کند. چون اگر اهای اش می کرد برود خانه خودش ان صدرصد لومی رفت و حتما خانواده اش با سؤال جواب هایشان از دخترک می فهمیدند چه اتفاقی افتاده. یک لحظه با پای برهنه تا حیاط می دود. همانجا ماتاش می برد چون نمی دانسته باید چه کار کند. برمی گردد به اتاق و هرچه باغزاله حرف می زند دخترک جوابش را نمی دهد. به آشپزخانه می رود تا چاقوی بزرگ گوشت را بردارد... ولی پشیمان می شود و دوباره برمی گردد. بعد دست غزاله را می گیرد و با خودش به حیاط می آورد. در فلزی بزرگ را باز می کند اما می بیند همسایه ها در رفت و آمدند و یکی دو خانه آن طرف تر چند زن از همسایه های قدیمی دوره نشسته اند. هر طور حساب می کند می بیند موقعیت مناسبی برای راهی کردن دخترک نیست. یکهو متوجه می شود که به کیسه های سفید کودی که توی باغچه گذاشته اند خبره است و فکری مدام توی مغزش می رود و می آید. همان طور ناگهانی با هر دو دست گلولی غزاله را فشار می دهد. آن قدر که پای دختر بچه سست می شوند و روی موزاییک های کف حیاط می افتد. صورت کبود بچه وحشت پسر را بیشتر می کند اما چون ترسیده با خودش می گوید مباد هنوز زنده باشد. برای همین دوباره دست هایش را دور گلولی بچه فشار می دهد و این بار اطمینان بیشتری دارد. بعد می دود و یکی از کیسه های کود را پای درخت انگور و بوته های رز خالی می کند. بوی تند کود حیاط را برمی دارد. جسد دختر را توی کیسه می پیچد و با هر مکافاتی که شده او را کشان کشان تا بالای پشت بام می برد و همانجا راه می کند تا شب برسد. بعد از شام وقتی نگاه می کند می بیند نگهبان ساختمان نیمه کاره برای کاری بیرون رفته. همه چیز مهیای شو تا کارش را انجام دهد. برای همین کیسه سفید را بغل می زند و سریع می رود به ساختمان رها شده. جایی حوالی کیسه های سیمان و گچ پنهانش می کند تا به راحتی نتوانند پیدايش کنند. بعد که صدای تلق تولقی شنیده به سرعت از آنجا آمده بیرون و شبانه به خانه برگشته...

آن سمت کوچه در خانه ای که زمانی صدای غزاله در دالان هایش می پیچید. حالا صدای زنگ بلند بود. ناصر دادزد «یکی واکنه» محبوبه سراسیمه آمد کنارش و با اشاره دست نشان داد که باید صدایش را بیاورد پایین. بعد گفت «ملیحه خانمه... برای جریان پسرش اومده. از صبح که من و ما مانو خورده» ناصر گفت «خب پس بذار برم حسابشو بذارم کف دستش... به چیز ی هم به کار شدیم انگار» و باز زن ها دوره اش کردند که باید آرام بگیرد و فقط هیچ کاری نکنند.

نیمه شب مادر غزاله توی تاریکی نشسته بود و داشت به شوهرش می گفت «مثل راه رفتن توی مه می مونه. می ترسی، تنهایی، بی پناهی و هیچ جایی رو هم نمی تونی ببینی... نمی دونی کجا بری. همه آما رو مثل سه‌های خاکستری می بینی. به همه مظنون و این حال خودت رو. دوست نداری... اصلا دوست نداری. حالا انگار یکی از همین سایه ها اومده نزدیک و قیافه اش معلوم شده. ولی دختر تم دیگه نیست. تا همیشه توی مه گمش کردم...»

مسابقات جعلی همچنان حساب بانکی شهروندان را خالی می کند و جیب سودجویان را پر

اطلاعات خصوصی مردم چگونه به دست تبهکاران می‌رسد؟

متهمان فراری با دستبرد ده‌ها حساب در کمتر از یک هفته بیش از یک میلیارد تومان دزدیدند

مهدی قرآنی

کسی نمی داند چطور و چگونه اطلاعات خصوصی افراد به دستشان افتاده است. همگی از فن بیان بالایی برخوردار هستند و زمانی که طعمه‌گوشی تلفن همراه خود را پاسخ می دهد، باخطاب قرار دادن اسم و فامیلش با او گفت وگو می کنند. حتی گاهی برای اینکه اعتماد فرد را جلب کرده باشند کد ملی، محل تولد و نام پدرش را هم اعلام می کنند و همین می شود که کسی به این تماس مشکوک نمی شود. همه چیز مهبای نقشه شومشان است و طعمه شان نیز خوشحال از اینکه در قرعه کشی صداوسیما برنده شده، بدون توجه به نکات امنیتی نقشی را بازی می کنند که کارگردانی آن را پیش تر فرد شبیاد بر روی کاغذ آورده و از او می خواهد. تا قربانی به خودش بیاید، همه چیز از دست می رود و رقم حساب بانکی وی صفر می شود.

چند روزی است که عده ای سود جو با شگردی جدید نقشه متقلبانه و سرقت های سریالی خود را در سطح کشور آغاز کرده اند. طبق مستندات موجود در پرونده های گشوده شده در پلیس فتای مرکز استان خراسان رضوی، افرادی ناشناس در پنج روز گذشته توانسته اند تنها در سطح استان بیش از یک میلیارد تومان از حساب بانکی شهروندان سرقت کنند. در میان قربانیان از پزشک گرفته تا کارمند بازنشسته بانک دیده می شود. ماجرای این سرقت های سریالی چگونه آغاز شد و پیگیری های پلیسی از چه زمانی در دستور کار مأموران پلیس فتای مرکز استان قرار گرفت.

● **من نماینده صداوسیما هستم**
اولین قربانی این شبکه شبیادی، مردی جوان است که متهمان ۲۴ میلیون تومان را از چنگش در آورده اند. بنا بر اظهارات مال باخته، آخر هفته گذشته فردی با او تماس می گیرد و ضمن خواندن اسم و فامیل این فرد، خود را نماینده صداوسیما معرفی می کند.

فرد تماس گیرنده مدعی می شود که مال باخته با کد ملی مربوط که در اینجا

حتی کد ملی او را اعلام می کند. در یک مسابقه شرکت داده شده و از قضا برنده شده است. یک شماره کد چند رقمی که حاوی لینک آلوده بوده است. از طریق واتس آپ برای شاکی ارسال می شود. مال باخته از همه جایی خبر وارد لینک می شود و سپس نرم افزار موبایلی را بر روی گوشی تلفن همراهش نصب می کند. نقشه شبیادی نماینده تقلبی صداوسیما کار ساز می شود و او که توانسته اعتماد طعمه اش را جلب کند، پس از دریافت اطلاعات حساب بانکی، ۲۴ میلیون تومان بی زبان قربانی را از حساب او بیرون می کشد.

● **شما در ۴ بانک حساب دارید**
شاکی دیگر این پرونده یکی از پزشکان مشهدی است که ۱۵۰ میلیون تومانش را از همین طریق از دست داده بود. او بار در دست داشتن مرجوعه قضایی وارد پلیس فتای مرکز استان شد و در برگه اظهاراتش نوشت: «فردی که خود را نماینده صداوسیما

معرفی می کرد، با من تماس گرفت و علاوه بر اینکه اسم، فامیل و کد ملی من را در اختیار داشت، حتی می دانست در چهار بانک حساب بانکی دارم. او که از فن بیان بالایی برخوردار بود گفت که کد ملی من در یک مسابقه را دوبیی شرکت داده شده و حالا برنده این مسابقه شده ام. برای دریافت کد جایزه ام باید، یک کد چند رقمی را در نرم افزاری وارد می کردم. در کسری از ثانیه پس از پایان گفت وگو از طریق واتس آپ، کد و لینک نرم افزار را دریافت کردم. لگوی صفحه مربوط آرم صداوسیما بود حتی یک در صد هم به او مشکوک نشدم، نرم افزار را نصب کردم و اطلاعات یکی از حساب های بانکی ام را در آن نوشتم و بعد هم دکمه ارسال را فشار دادم. تا به خودم پیایم پیامک برداشت برایم ارسال و موجودی حسابم صفر شد.

● **چند شکایت مشابه**
تعداد شکات این پرونده رو به افزایش بود و هر ساعت گزارشی مشابه به دست کارشناسان فضای مجازی پلیس فتای استان می رسید. کسی نمی داند که اطلاعات خصوصی افراد چگونه به دست متهم با متهمان این

پرونده ها رسیده است. اطلاعاتی که هم دقیق بودند و هم بدون ابهام. در میان شکات جدید چند کارمند بانک و نیز یک کارمند بازنشسته بانک هم بود که این افراد هم مدعی شدند. فردی به عنوان نماینده صداوسیما با آن هاتماس گرفته و در حالی که مشخصات هویتی و بانکی آن ها را می دانسته، گفته است که این افراد برنده جایزه در مسابقه تلویزیونی شده اند. مسابقه ای که حتی روح این افراد هم از آن بی اطلاع بوده اما چون پای اطلاعات خصوصی به میان کشیده شده بود، هیچ ظنی از سویی شکات به وجود نیامده بود.

● **شهروندان به گوش باشند**
احتمالات زیادی وجود دارد که چگونه اطلاعات خصوصی افراد به دست متهمان این پرونده افتاده است. از هک شدن سیستم های بانکی گرفته تا برداشت اطلاعات از نرم افزارهای عملیات بانکی موضوعی است که ممکن است بدون اطلاعات مسئولان مربوط اتفاق افتاده باشد. ماجرای که امروز دامن ده ها و شاید صدها شهروند را در استان و کشور گرفته و این افراد را متضرر کرده است.



عکس از ژانلی است

یک سازمان کشوری نقشه خود را عملی کرده اند. پول شویی، خرید های اینترنتی، اجاره حساب بانکی افراد، خرید شارژ، ارز دیجیتال و... نیز اقدامات مجرمانه دیگری است که مجرمان این پرونده ها با وجوه سرقتی انجام داده اند.

این مقام ارشد پلیس فتای استان تأکید کرد: شاید همین حالا که این گزارش را می خوانید هم متهمان پرونده با شما تماس بگیرند بنا بر این از شهروندان درخواست می شود، قبل از هر اقدامی توجه داشته باشند که آیا در مسابقه اعلام شده شرکت کرده اند یا خیر؟ همچنین چنانچه فردی در مسابقه برنده شده باشد، تنها شماره حساب او برای دریافت جایزه نقدی نیاز است. علاوه بر این، برای دریافت جایزه نیاز نیست نرم افزار خاصی را در گوشی تلفن همراه خود نصب کنند چرا که تنها شماره کارت بانکی یا شماره حساب برای دریافت هدیه کفایت می کند. نکته دوم اینکه شهروندان در بستر فضای مجازی تا حد امکان سعی کنند از اسامی مستعار استفاده کنند و از درج اسم و مشخصات کامل خود در صفحات مجازی خودداری کنند.

اما موجب می شود تا چند نفر از کسبه در خیابان چمن ۴۱ از مغازه های خود بیرون بیایند و خیلی زود به صدای راننده جوان و انکش نشان دهند. تا سارق فراری به خودش بیاید از سوی چند شهروند دستگیر و زمین گیری می شود. نمای لانگ شات از صحنه حادثه نشان می دهد یک سواری پراید با یک درخت بر خورد کرده. یک دستگاه تر تیلی وسط خیابان زمین گیر شد و بی کی متوقف و مردی جوان در چنگ گرفت بود. مالک خودرو که خود خبرنگار است خیلی زود از سرقت پراید مطلع و به کلانتری بانوان فرا خوانده می شود و در برابر خودرو خسارت دیده ا ش قرار می گیرد. پرونده سارق که از متهمان سابقه دار است به دادسرا منتقل و شکایت مال باخته و راننده پی کی و راننده تر تیلی علیه او تنظیم می شود.



بیرون نیامده است. تلاش امدادگران بی نتیجه ماند و موضوع به تیم غواصی آتش نشانی مشهد گزارش شد. دیروز تیم غواصی آتش نشانی مشهد در عملیاتی سخت و طاقت فرسا خود را به ارتفاعات صعب العبور این منطقه رساندند و عملیات جست و جوا را آغاز کردند که نتیجه این عملیات دوازده ساعته منجر به کشف پیکر این فرد شد. همچنین دیروز گروهی دیگری از نجاتگران آتش نشانی مشهد در ادامه عملیات روز شنبه که یک خودرو و تویوتا با دوسر نشین در روستای ده سرخ در حوالی مشهد اسیر سیل شده بودند، توانستند جسد نمر که روزی میان سال بود را کشف کنند. جسد پیرمرد ۷۰ ساله نیز همان روز حادثه در خودرو کشف شده بود.

همچنین ۲۱ خرداد نیز یکی از اهالی روستای ازغداز توابع شهرستان طبرقه شان نیز بر اثر وقوع سیلاب جان خود را از دست داد و این گونه در انتهای فهرست هشت نفره جان باختگان بر اثر غرق شدگی در ۲۴ روز اخیر قرار گرفت. البته اگر بی توجهی شهروندان به هشدارها و اصول اولیه ایمنی همچنان ادامه داشته باشد، بدون شک این افراد آخرین قربانیان مرگ سرد در دل آب های خروشان رودخانه های اطراف مشهد و استان نیستند.

شاخ به شاخ با تقدیر مجرمانه

به آن طرف خیابان منحرف می شود و سپس با یک دستگاه خودرو تریلی تصادف و بعد هم با یک درخت برخورد می کند. متهم اما همچنان مصرانه می خواهد مغلوب سرنوشت نشود و لنگان لنگان به فشارش ادامه می دهد.

از سویی راننده پی کی هم دست بردار نیست و نمی خواهد عامل خسارت رساندن به خودرواش فرار کند برای همین همچنان به تعقیب اومی پردازد.

فریادهای «دزد... دزد... دزد» راننده خودرو پی کی به آن طرف خیابان منحرف می شود و سپس با یک دستگاه خودرو تریلی تصادف و بعد هم با یک درخت برخورد می کند. متهم اما همچنان مصرانه می خواهد مغلوب سرنوشت نشود و لنگان لنگان به فشارش ادامه می دهد.

از سویی راننده پی کی هم دست بردار نیست و نمی خواهد عامل خسارت رساندن به خودرواش فرار کند برای همین همچنان به تعقیب اومی پردازد.

فریادهای «دزد... دزد... دزد» راننده خودرو پی کی به آن طرف خیابان منحرف می شود و سپس با یک دستگاه خودرو تریلی تصادف و بعد هم با یک درخت برخورد می کند. متهم اما همچنان مصرانه می خواهد مغلوب سرنوشت نشود و لنگان لنگان به فشارش ادامه می دهد.

فریادهای «دزد... دزد... دزد» راننده خودرو پی کی به آن طرف خیابان منحرف می شود و سپس با یک دستگاه خودرو تریلی تصادف و بعد هم با یک درخت برخورد می کند. متهم اما همچنان مصرانه می خواهد مغلوب سرنوشت نشود و لنگان لنگان به فشارش ادامه می دهد.

قرآنی ازمانی از زیارتشان در حرم امام رضا(ع) نگذشته بود که پلیس با شماره همراه زن جوان تماس گرفت. مأمور قانون از آن سوی خط گفت که خودرو زن را از چنگ یک سارق سابقه دار آورده اند.

زن و مرد جوان خودروشان را در مقابل خانه پارک کردند و به دلیل نزدیک بودن محل سکونت به حرم مطهر، به همراه فرزندان پای پیاده به حرم رفتند. در این میان سارق سابقه دار با تخریب در سمت راننده در حالی که قفل پدال بر روی پدال ترمز و کلاچ بوده، خودرو را بریدار سرعت می کند. از آنجا که پارکج هیچ وقت به مقصد نمی رسد، در میان راه سارق پراید با یک خودرو پی کی تصادف می کند. متهم که نمی خواهد مغلوب شود بدون اینکه توقف

کند پا به فرار می گذارد و راننده خودرو پی کی خسارت دیده نیز به تعقیب او می پردازد. مالک خودرو در حرم مطهر گرم یارت است و از سوی مقابل سارق بخت برگشته برای فرار از چنگ راننده پی کی خیابان ها را یکی پس از دیگری طی می کند. در میان راه زن و مردی جوان به همراه کودک خردسالشان در حال عبور از عرض خیابان بوده اند که در مقابل پراید افسارگسیخته قرار می گیرند.

سارق پراید برای اینکه به یک زن و مرد جوان نزند،

جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی درباره جزئیات این پرونده به خبرنگار ما گفت: پلیس آگاهی خراسان رضوی طرح ضربتی ۴۸ ساعته تشدید مقابله با سرقت ها را در سطح استان به اجرا گذاشت و در عملیاتی ضربتی کاراگاهان نقاط از قبل شناسایی شده را پاک سازی و متهمان چهره زنی شده را دستگیر کردند.

سردار ابراهیم قربان زاده ادامه داد: مأموران با دستگیری دوازده متهم، زورگیری های خیابانی ۵۶ فقره سرقت را کشف کردند و در این طرح ضربتی هفده متهم سابقه دار دیگر را نیز دستگیر و ۱۰۴ فقره انواع سرقت های خیابانی را رمزگشایی کردند.

غرق شدن ۸ نفر در ۲۴ روز



اما مادر و سه فرزندش ناپدید شدند. با حضور نجاتگران آتش نشانی در محل پیکر مادر و دو فرزندش کشف شد. اما ریاحنه خردسال برای همیشه ناپدید شد و تلاش ها برای یافتن پیکرش نیز

محمد جواد ابوعطا

دیروز با کشف جسدیکی دیگر از غرق شدگان حوادث سیلاب اخیر در خراسان رضوی، تعداد جان باختگان در حالی به هشت نفر رسید که پیکر «ریاحنه» دختر خردسالی که به همراه خانواده برای تفریح به ارتکند از مناطق گردشگری کلات رفته بودند و اسیر سیلی خروشان شدند، همچنان مفقود است، حتی تلاش تیم غواصان آتش نشانی مشهد در آب های پشت سد قره تیکان کلات نیز بی نتیجه ماند.

تراژدی غرق شدن افراد در خراسان رضوی که از ۳۰ اردیبهشت تا دیروز به مدت ۲۴ روز ادامه داشت، منجر به غرق شدن هشت نفر دیگر شد. به عبارتی هر سه روز یک نفر جان خود را از دست داده است. نخستین حادثه از این سلسله حوادث در پی بارش های رگباری جمعه ۳۰ خرداد آغاز شد. در این حادثه با وجود هشدارهای سازمان هواشناسی پنج عضویک خانواده برای تفریح با خودرو و پرایدشان به منطقه گردشگری ارتکند از توابع کلات رفته بودند که وقوع سیل ناگهانی این خانواده را غافل گیر کرد. در این حادثه پدر خانواده به سختی خودش را نجات داد،